



## گپ و گفت

ضمیمه نوجوان

شماره ۹۹ | ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۱

نوجوان  
جوان



امیرحسین  
علی نیافرد

اقتصادی و سیاسی بیشتر از ادبیات می‌دانم و برای آنها هم کاری نشده است.

اگر می‌توانستید یک مشکل بزرگ را در حوزه کتابخوانی حل کنید، چه راهکاری پیشنهاد می‌دادید؟

از چهره‌های تاثیرگذار در رشد کتابخوانی استفاده می‌کردم نه از چهره‌های سینمایی و نمایشی. چون هر چیز تعریف خود را دارد. بعضی برای دیده شدن به دنیا آمده‌اند و بعضی برای شنیده شدن ولی اگر یکی هردو را داشت چه بهتر.

از خواندن چه کتابی خسته نمی‌شوید؟

موقع خسته شدن از کتاب کمی چشم‌هایم را می‌بندم، ماساژ می‌دهم و کتاب را عوض می‌کنم. گاهی وقت‌ها کتاب با موضوع مختلف را همزمان می‌خوانم. در خواندن کتاب باید به نیازهای زمانی، مکانی، اجتماعی، اقتصادی و حتی آب‌وهوایی توجه داشت. مثلاً اگر برف می‌آید کتابی در زمینه بازی‌های برفی و زمستانی باید خواند یا باران شاید شما را به چای و شعر دعوت کند یا وقتی مردم را غمگین می‌بینم باید کتابی درباره چاره درد خواند. خواسته‌های درونی بخشی از مسیر مطالعه است بخشی دیگر را پیرامون ایجاب می‌کند.

درباره اوضاع کتاب و ادبیات حوزه نوجوان هم شناخت دارید؟ به نظرتان اشکال کار در کجاست که نوجوان‌ها خیلی کمتر به فضای کتاب اشتیاق دارند؟

دانش زیادی در این حوزه ندارم اما به خاطر فرزندانم ناآگاه هم نیستم. کتابخوانی در این شرایط سنی، روحی و جسمی با آنچه ما دنبال می‌کردیم متفاوت شده است. کتابخوانی به دلیل فراگیر شدن ابزارهای دسترسی و منابع زیاد، هدفمندتر و جهت‌دارتر از گذشته شده است چون بلافاصله بعد از دستیابی به موضوع مورد نیاز مشخص می‌کند می‌خواهد ادامه بدهد یا شاخه مطالعاتی را عوض کند درحالی‌که ما برای رسیدن به چنین نقطه‌ای یک سال باید وقت صرف می‌کردیم، پول پیدا می‌کردیم، کتابفروشی‌ها را زیر و رو می‌کردیم و در صورت پیدا کردن آن معلوم نبود آنچه به دست آورده‌ایم به کار می‌آید یا نه چون منابع دیگر به سختی گیر می‌آمد.

در گفت‌وگو درباره طیف‌های سنی و بالاخص نوجوانان و جوانان باید بیشتر دقت کنیم چون شکننده هستند. چون در آغاز شکل‌گیری شخصیت اجتماعی و در کوران داده و انرژی‌های متاسفانه اغلب منفی هستند. نوجوانان و جوانان همان‌طور که گفتیم هدفمندتر کتاب می‌خوانند، ذهن و قدرت فکر و همین‌طور گم‌شده‌ها و علایق آنان متعلق به زمان خودشان است با رویاها و چشم‌اندازهای دیگر، بهترین کار که ما می‌توانیم برای آنها بکنیم علاوه بر در اختیار قرار دادن منابع احتمالی گوش سپردن و نزدیک شدن به آنها برای دوستی و انتقال حس امنیت برای گذر از بحران‌ها و آسیب‌هاست.

تا حالا دل‌تان خواسته که در دنیای

یک کتاب زندگی کنید؟ چه کتابی؟

من ساکن کتاب‌هایی که خوانده‌ام هستم. کتاب‌ها سرزمین‌های من هستند. اسم‌هایشان زیاد است ولی اگر قرار باشد به دو نفر از صاحبان کتاب اشاره کنم؛ اولی جهان حافظ و دومی یانیس ریتسوس، شاعریونانی است.



## گفت‌وگو با اردشیر رستمی، شاعر و نویسنده به شدت کتابخوان

# ساکن سرزمین کتاب هستم

بعضی‌ها اهل خرید کتاب هستند و برخی اهل مطالعه کتاب اما یک عده هم هستند که کتاب را زندگی می‌کنند. نوجوان این بار میزبان یک کاریکاتور است، تصویرساز، مجسمه‌ساز، معمار، طراح لباس، شاعر و بازیگر است که رابطه عمیقی با کتاب، مطالعه و حرف‌های انگیزه‌بخش و امیدآفرین دارد. اردشیر رستمی با بازی در نقش شهریار به همه معرفی شد ولی حرف‌های زیادی در زمینه‌های مختلف دارد که تنها بخشی از آن در گفت‌وگوی ما آمده است.

درباره دوران کودکی و نوجوانی بگویید.

من در کل از ۱۲ سالگی تنها زندگی کرده‌ام. خانواده‌ام در تبریز زندگی می‌کردند و من به تهران آمدم. به همین دلیل است که همه چیز برای من، معنای سفر می‌داد. مدتی ورامین بودم، زاهدان، بم، کرمان، کردستان و... هم رفتم. بعدها هم که آکتور شدم، این جور سفرها حالت دعوت‌گونه پیدا می‌کرد و از جاهای مختلف دعوت می‌کردند و می‌رفتم. باید می‌رفتم و درباره کار و بازیگری و... به صورت حرفه‌ای صحبت می‌کردم. البته در همین احوالات هم دست از نگاه کردن، تماشا و کشف کردن برنمی‌داشتم. این قدر نان‌ها برابم پخته‌اند، این قدر غذاها برابم درست کرده‌اند، این قدر ماهی‌ها برابم گرفته‌اند که حد و حساب ندارد. این قدر در کویرها و جنگل‌ها در کنار مردم خوابیده‌ام که حد و حساب ندارد.

چطور به کتاب خواندن علاقه مند شدید؟

دوران کودکی نقش مهمی در طول زندگی هر فردی دارد. من در کودکی با کتاب آشنا شدم و خانواده، معلم کلاس چهارم و کانون پرورشی کودکان و نوجوانان در علاقه‌مندی من به کتاب هر کدام سهم مهمی داشتند.

واقعاً کتاب می‌تواند بهترین دوست آدم باشد و جای

شنیدن زندگی تجربی و همکلامی با آدم‌ها را بگیرد؟

هر چیز، ارزش و جایگاه خود را دارد. هیچ چیز جای چیزی دیگر را نمی‌تواند پر کند. نه بدون دوست و نه بدون کتاب نمی‌شود زندگی کرد. از اهمیت‌های کتاب، یافتن دوستانی است که صدها سال از زندگی و مرگ‌شان گذشته و بعضی نیز در جاهای دور زندگی می‌کنند. آشنایی با آرا و افکار دیگران است که وسعت و زیبایی اندیشه بشر را نشان می‌دهد.

کتاب غیرمفیدی که آسیب‌زننده و با ما دشمن باشد هم

وجود دارد؟

کتاب‌های غیرمفید تعدادشان بسیار بیشتر از کتاب‌های مفید است زیرا کتاب‌سازی از شاخه‌های پول‌ساز در این زمینه است. کتاب‌های گمراه‌کننده هم زیاد داریم که با دانش اندک نوشته شده‌اند ولی خوشبختانه به مدد علم و در اختیار بودن منابع بسیار

این وضعیت در حال تغییر سریع است.

تا به حال شده کتابی را دوست نداشته باشید، یا نصفه‌کاره رهاش کرده باشید؟ در این موارد چه پیشنهادی دارید؟

کتاب‌های بسیاری را بعد از خریدن و تورق، سریع پاره کرده و به سطل آشغال انداخته‌ام تا دست دیگری به آن نرسد و گمراه نشود. چون در گذشته اجازه ورق زدن و خواندن را نمی‌دادند این اتفاق رخ می‌داد ولی اکنون این مشکل وجود ندارد و مردم می‌توانند تشخیص بدهند خوب است یا نه.

کتاب می‌تواند زندگی آدم را متحول کند؟ امیدوار یا

ناامیدش کند یا باعث انجام کاری شود؟

بله، کتاب می‌تواند نجات‌دهنده و مرگ‌آفرین باشد. شاید کمتر چیزی بتواند مانند کتاب در زندگی نقشی حیاتی ایفا کند چون دقیقاً با فکر و روان آدم کار دارد.

اگر حق انتخاب داشتید، دل‌تان می‌خواست در کدام زمان

و در کنار کدام شاعر و نویسنده زندگی کنید؟

دوست ندارم در زمانی دیگر از زمان خودم باشم. آدم‌هایی که دیده‌ام و کمک کرده‌اند را دوست دارم. سوال شما را این‌گونه مطرح می‌کنم؛ دوست داشتید از چه زمانی در شعر و هنر آگاهی بیشتری می‌داشتید؟ که آن وقت جواب می‌دادم دوست دارم از ۵۵ سال آینده شعر و هنر آگاهی می‌داشتم که قطعاً خیلی متفاوت از اکنون است.

به نظرتان چرا به زندگی‌نامه

شاعران در فیلم‌ها و

سریال‌ها زیاد بها

نمی‌شود؟

شعور و علاقه جمعی

و همین‌طور صاحبان

قدرت و تصمیم در

این امر دخیل

هستند. این ضعف

را من در رشته‌های

علمی، و ورزشی،

